

کتاب

به خاطریک اشکال ۲ وزیر اقتصاد کارت زرد گرفتند



در طول اجرای برنامه چهارم و حتی پنجم، از آنجا که این قضیه (استقلال و پاسخگویی بانک مرکزی) به‌صورت معلق بود، نمایندگان مجلس بنده را به‌عنوان وزیر اقتصاد فرا می‌خواندند و در خصوص مسائل ارز سؤالاتی می‌پرسیدند. می‌گفتم طبق قانون مسئولیت سیاست‌های ارزی کشور بر عهده رئیس کل بانک مرکزی است و رئیس کل نیز تحت نظر رئیس جمهور فعالیت می‌کند. طبق قانون سؤال از وزیر باید مرتبط با وظایف و اختیارات او باشد، چرا از من سؤال می‌کنید. آنها نیز در پاسخ می‌گفتند: «ما به رئیس کل بانک مرکزی و رئیس جمهور دسترسی نداریم و نمی‌توانیم از آنها سؤال کنیم لذا شما باید پاسخگو باشید!» حتی همان اقتصاددانان برجسته مجلس سر همین قضیه ارزی به بنده کارت زرد داده و گفتند: «حسینی به تبعیت از رئیس‌اش، احمدی‌نژاد اینگونه صحبت کرده است»، اما کمتر از یک سال بعد، وقتی آقای دکتر طیب‌نیا وزیر جدید اقتصاد به مجلس رفت، همان حرف‌های من توسط وی تکرار شد و مجلسی‌ها دوباره به وزیر جدید هم کارت زرد دادند! جالب است نماینده سؤال‌کننده گفته بود، حتی اگر حرف‌های طیب‌نیا درست باشد، باید به وی کارت زرد بدهید، چون همین کار را با حسینی کردید.

- در مورد برنامه پنجم، آیا این برنامه از نگاه یاپارادایم فکری خاص تبعیت می‌کرد؟**

ممکن است کسانی که برنامه را تدوین می‌کنند در مبانی فکری تفاوت دیدگاه زیادی داشته باشند، اما در نهایت باید خروجی‌ها را با هم مقایسه کنید. تدوین‌کنندگان برنامه پنجم دغدغه‌هایی مانند اصلاح شیوه و تدوین برنامه را هم دنبال می‌کردند. گرانش اصلی دولت و به‌طور مشخص نگاه آقای احمدی‌نژاد این بود که باید به گونه‌ای پیش رفت که نکات و مسائل اصلی و مهم از قلم نیفتند. من هم به این موضوع معتقد بودم، منتها احساس می‌کردم که حتی اگر همه اعضای دولت، یک‌صدا بپذیرند که به جای احکام تصویب، یک تعداد محدودی از احکام را برای تصویب به مجلس ببریم، باز نتیجه نخواهیم گرفت. چرا که وقتی دولتی به فرض، بیش از ۲۰ وزارتخانه دارد، نمی‌شود کمتر از ۲۰ مسأله و موضوع اساسی را مطرح کرد. لذا نگاه ما این بود که مراقب باشیم نکات کلیدی از قلم نیفتد. برای مثال یکی از نکاتی که ما به آن اعتقاد داشتیم این بود که بایستی فضا را به گونه‌ای فراهم کنیم که این مشکلی که در اقتصاد ایران «اثر مزاحم» گفته می‌شود به «اثر مزاحم» تبدیل شود. وقتی می‌گویید: دولت باید پروژه‌های عمرانی کشور را به صورت کارفرمایی - پیمانکاری اجرا کند، در واقع شما در شیوه عمرانی و سرمایه‌گذاری مسیری را طی می‌کنید که باعث بزرگ‌تر شدن دولت می‌شود، دولت گسترش می‌یابد و جا را برای بخش‌های غیردولتی تنگ می‌کند که همان اثر مزاحم است. وقتی دولت اجرای پروژه‌های عمرانی بزرگ را بر عهده می‌گیرد، تبدیل به کارفرمای بزرگ شده و بعدها باید این پروژه‌ها را مدیریت کند که سبب تصدی می‌شود.

فقط نام سازمان مدیریت منحل شد

کسانی که می‌گویند در زمان دولت احمدی‌نژاد سازمان مدیریت منحل شد اشتباه می‌کنند، مگر اینکه منظورشان صرفاً یک نام باشد

گزارش

تاکنون بخش‌های نخست کتاب محرمانه‌های اقتصاد ایران در شماره‌های قبلی روزنامه ایران اقتصادی به چاپ رسیده و سیدشمس‌الدین حسینی وزیراقتصاد دولت‌های نهم و دهم، به بیان خاطراتی از آن دوران و چگونگی تصمیم‌گیری‌ها در دولت محمود احمدی‌نژاد پرداخته است. وی در شماره قبل درباره برنامه حذف ۳ صفر از پول ملی نکاتی را عنوان کرد و همچنین به تعیین رئیس شسورای رقابت و اشکالاتی که به برنامه پنجم توسعه وارد بود، پرداخت. در این شماره وی توضیحاتی درباره تشکیل صندوق توسعه ملی و رد پیشنهاد وزارت اقتصاد در این باره توسط هیأت وزیران وقت داد.

اقتصاد ایران

- این واقعبت است که بین مجلس و دولت ۱۰۰ مورد اختلاف نظر وجود داشت؟**

تعداد اختلافات را نشمرده‌ام. اما به‌طور کلی از احکام حوزه‌هایی چون، مالیاتی راضی بودم، چون فنی‌تر و مشخص‌تر بود. در بخش بانکی، در مواردی مانند قضیه شورای پول و اعتبار و مجمع بانک مرکزی اختلافاتی وجود داشت که نهایتاً هم به نتیجه نرسید. البته این موارد مهم هستند، اما جای طرح آن در قانون برنامه نیست. چرا که قانون برنامه، یک برنامه پنج ساله با محدودیت زمانی است، لذا نمی‌توان گفت شورای پول و اعتبار و مجمع بانک مرکزی به مدت پنج سال به این روش انتخاب و اداره شوند یا در خصوص صندوق توسعه ملی نیز میان مجلس و دولت اختلاف نظراتی وجود داشت که یادم هست در آن برهه سر‌و‌صدای زیادی را هم به راه انداخته بود.

- مطالعه تاریخ اقتصادی کشور نشان می‌دهد مسائل حاشیه‌ای و جنجالی در برنامه پنجم زیاد بود، حتی در مقطعی به دلیل همین حاشیه‌ها، بحث استرداد لایحه از مجلس توسط آقای احمدی‌نژاد مطرح شد.**

ماجراهایی که شما می‌گویید قضایای مفصلی دارد. من احساس می‌کنم، در کل آن سندی که از مجلس بیرون آمد با خواست دولت تفاوت داشت، اما غیرقابل قبول هم نبود؛ بالاخره ممکن بود احکامی به قانون برنامه اضافه شود که نگران‌کننده باشد، اما به‌نظرم برای مدیریت کشور از سوی قانون برنامه پنجم، مانع جدی وجود نداشت. البته در مورد برنامه چهارم نیز چنین نظری دارم. به هر حال در مواردی مانند مجمع بانک مرکزی اختلاف‌نظرها جدی و شدید بود، چرا که مصوبه مجلس در خصوص

مجمع بانک مرکزی می‌توانست نظام پولی کشور را به سمت یک «نظام همه‌مختار و دولت‌تنها مسئول» ببرد. بالاخره طبق قانون اساسی مسئول امور اجرایی کشور رئیس جمهور است. اگر توسط حکمی، ابزارهای اساسی از دولت گرفته‌شود و به کسانی داده‌شود که پاسخگو نباشند قطعاً مسأله‌ساز است.

- پس بحث استرداد، بیشتر به دلیل چند مسأله حیاتی مانند همین مجمع بانک مرکزی مطرح شد؟**

بله، اما وقتی شما بحث استرداد را مطرح می‌کنید بگویید بر سر چه مسائلی؟ احکامی مانند شورای پول و اعتبار، مجمع بانک مرکزی و... اگر چه تعدادشان زیاد نبود اما اهمیت بسیار بالایی داشت. برخی از نمایندگان مجلس اعتقاد داشتند در ۳۷ درصد از احکام برنامه پنجم مشخص نیست که تکلیف یا اختیار به کدام دستگاه‌ها داده شده است. یا تقریباً ۵۰ درصد از احکام، بار مالی جدیدی را روی دوش دولت گذاشته است. با آخره معا و ننت بر نا مه ریزی رئیس جمهور در مراحل تصویب، دخل و تصرف‌ها و رایزنی‌هایی دارد و این دخل و تصرف‌ها همیشه و در همه دولت‌ها هم وجود داشته و لزوماً مورد پذیرش وزرای اقتصاد هم نیست. نگاهی که در معاونت برنامه‌ریزی بسیار جدی است این است که آنها خودشان را حتی بالاتر از رئیس جمهور مسئول بودجه و برنامه می‌دانند. کما اینکه وزرا و کمیسیون‌های بخشی نیز در مراحل تصویب رایزنی می‌کنند و بار روی دوش مجموعه دولت می‌گذارند، در حالی که طبق قانون اساسی مسئولیت برنامه، بودجه و امور استخدامی جزو وظایف مستقیم رئیس‌جمهور است و اگر او بخواهد می‌تواند این اختیارات را به دیگری

وگذار کند اما بعضی مواقع در برخی از دستگاه‌ها مانند معاونت برنامه‌ریزی، این موضوع به قدری جلو می‌رود که این معاونت یا سازمان مدیریت، گویا قبول ندارد که معاون رئیس‌جمهور است. البته در وزارتخانه‌ها چهارچوب و وظایف قانونی مشخص است، کما اینکه وزیر خود را در مقابل رئیس‌جمهور و مجلس پاسخگو می‌داند، البته اینها نسبت به هم تقدم و تأخر دارند. به قول آقای احمدی‌نژاد: «یک کار را نمی‌توان از دو جا مدیریت کرد»، به‌نظرم این جمله کاملاً صحیح است، در امور اجرایی باید به سلسله‌مراتب معتقد بود، اما متأسفانه برخی در مجلس معتقد بودند: «چون من، اقتصاددان برجسته مجلس هستم شمای وزیر باید طبق نظر من عمل کنی و اگر طبق نظر خودت یا احمدی‌نژاد تصمیم‌گیری کنی دارای استقلال نیستی.»

جالب است همین افراد، وقتی در مجلس، قانونی برخلاف نظر آنها تصویب می‌شد حتی از نظر مجلس نیز از وزیر می‌پرسید و مجلس سؤال وی را وارد نمی‌دانست، مصاحبه می‌کرد و می‌گفت مجلس اشتباه کرد! یعنی یک نماینده مجلس با سیصد هزار رأی در تهران مدعی بود من وزیر اقتصاد، باید طبق نظر او کار کنم ولو اینکه مجلس، حرف او را قبول نداشته باشد، اما باید از دستورات و نظرات رئیس‌دولت سرپیچی کنم تا به تعبیر او مستقل باشم، به همین دلیل هم بود که وزرای احمدی‌نژاد اغلب در کمیسیون‌های مجلس در حال پاسخگویی بودند!

- یکی از مسائلی که در قانون برنامه پنجم به چشم می‌خورد، این است که در بسیاری از صفحات برنامه، بدون دلیل واژه «معاونت» اضافه شده است.**

